مشروح مذاکرات شورای فقهی

بانک مرکزی

یکصد و سی و یکمین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

پاییز ۱۴۰۴

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.cbi.ir



شناسه گزارش: ۱۴۰۴۱۱/۹۶/۱۳۱/۱

عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی*

یکصد و سی و یکمین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

واژگان کلیدی: شورای فقهی، بانکداری اسلامی، مشروح مذاکرات، ودیعه مسکن، نرخ سود سیاستی.

تاریخ انتشار گزارش: زمستان ۱۴۰۴

*** بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.**

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)..... ۲

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور اول: جمع‌بندی نهایی در رابطه با «درخواست بانک مسکن مبنی بر اعطای تسهیلات کمک ودیعه مسکن در قالب طرح یارا» و مصوبه پنجاهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۲ کارگروه تخصصی فقهی بانک مرکزی در شهر قم در رابطه با «ملاحظات فقهی تسهیلات ودیعه مسکن»..... ۳

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور دوم: بررسی «راهکارهای جایگزین نمودن نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی (لایبور) موضوع نامه اداره تدوین مقررات ارزی بانک مرکزی»..... ۸

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط) [1]

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی‌مقدم (ریاست شورای فقهی)

۲. آیت الله محمدسعید واعظی (عضو شورای فقهی)

۳. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)

٤. آیت الله حسینعلی سعدی (عضو شورای فقهی)

٥. حجت‌الاسلام‌والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)

٦. حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمد باقری بنابی (نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو شورای فقهی)

۷. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)

۸. آقای دکتر محمود ابراهیمی (عضو شورای فقهی)

۹. آقای دکتر علی خورسندیان (عضو شورای فقهی)

۱۰. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (عضو شورای فقهی)

۱۱. آقای دکتر سید محمدرضا حسینی‌پور (دستیار ویژه قائم‌مقام رئیس‌کل بانک مرکزی)

۱۲. آقای دکتر حسین میثمی (مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیر شورای فقهی بانک مرکزی)

۱۳. آقای دکتر مهرزاد ذاکری (مدیر کل امور مجلس و دولت بانک مرکزی)

۱٤. آقای دکتر سید علی اکبر میرعمادی (مدیرکل امور دادستانی و صیانت از مشتریان بانک مرکزی)

۱٥. آقای دکتر حسین صدقی (مدیرکل تنظیم مقررات بانک مرکزی)

۱٦. آقای قاسم داریان (رئیس گروه اداره تدوین مقررات ارزی بانک مرکزی)

۱۷. خانم سارا جلالی (معاون اداره عملیات اعتباری بانک مرکزی)

۱۸. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

۱۹. آقای دکتر مجید امیدی (رئیس گروه اداره سیاست‌های پولی بانک مرکزی)

۲۰. آقای محمدحسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

۲۱. خانم مریم بیدخوری (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

۲۲. خانم اعظم حسینخانی (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

۲۳. آقای مسعود گیوه‌چی (رئیس دایره اداره عملیات اعتباری بانک مرکزی)

[1] از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقایان دکتر محمدپور و دکتر افشار در این جلسه حضور نداشتند.

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور اول: جمع‌بندی نهایی در رابطه با «درخواست بانک مسکن مبنی بر اعطای تسهیلات کمک ودیعه مسکن در قالب طرح یارا» و مصوبه پنجاهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۲ کارگروه تخصصی فقهی بانک مرکزی در شهر قم در رابطه با «ملاحظات فقهی تسهیلات ودیعه مسکن»

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: دستور نخست مربوط به جمع‌بندی نهایی راهکارهای ودیعه می‌باشد که در قالب نامه‌ای از بانک مسکن دریافت گردیده است. در این خصوص، سه گزارش از ناظرین شرعی خدمت اعضای شورای فقهی ارائه شده و موضوع مذکور جهت بررسی نهایی به کارگروه قم منتقل گردید. در ادامه با حضور آیت الله آقای اسلامیان و آیت الله واعظی و همچنین آقای دکتر رضایی، جلسات متعددی برگزار شد و تمام مباحث در آنجا مورد بررسی فقهی قرار گرفت.

آقای اسلامیان در رابطه با دریافت استفتاء در موضوع «مرابحه خدمات» از دفتر رهبری، تاکید نمودند. این استفتاء توسط دبیرخانه انجام و از سامانه استفتائات رهبری استخراج گردید که شماره و تاریخ آن مشخص و پرینت آن در پوشه‌ها موجود است. در اینجا، متن استفتاء جهت اطلاع اعضای شورای فقهی اعلام می‌گردد و سپس جمع‌بندی نهایی ارائه خواهد شد.

متن استفتاء: «بنده از فردی تسهیلات مرابحه دریافت کرده‌ام؛ بدین صورت که از طرف وی وکیل باشم که ابتدا کالا را نقداً برای وی از فروشنده بخرم و بعد به صورت وکالتی و از طرف وی، به خودم اقساطی بفروشم. حال سؤالم آن است که اگر بنده از این تسهیلات به جای خرید کالا، مانند خودرو، جهت خرید خدمات مثلاً خدمات پزشکی (پرداخت هزینه عمل بیمارستان) و یا خدمات آموزشی (پرداخت شهریه دانشگاه) استفاده کنم، آیا از منظر فتوای مقام معظم رهبری این کار صحیح است؟ یعنی آیا از نظر ایشان مرابحه صرفاً شامل خرید اعیان می‌شود یا اینکه خرید خدمات هم مجاز است؟» پاسخ دفتر مقام معظم رهبری به شرح زیر است: «اگر فرد یاد شده، شما را در خرید خدمات نیز وکیل کرده باشد، اشکالی ندارد؛ در غیر این صورت جایز نیست.»

با پذیرش این فتوا، جمع‌بندی نهایی دبیرخانه می‌تواند در قالب صلح و مرابحه وکالتی به این صورت ارائه شود:

الف) عقد صلح: بانک می‌تواند به صورت نقد تمام منافع مورد اجاره را در قالب عقد صلح تملک نماید و سپس با مبلغ بالاتری به صورت نسیه به مستاجر مصالحه نماید.

ب) مرابحه وکالتی: بانک می‌تواند ضمن اعطای تسهیلات مرابحه به مستاجر، وکالت دهد که منافع ملک را به صورت نقدی برای بانک خریداری نماید و پس از آن، به وکالت از بانک، آن را به خود مستاجر به صورت نسیه بفروشد.

تبصره: توصیه می‌شود در این حالت تسهیلات بانک مستقیماً به حساب مالک یا موجر واریز گردد.

رضایی: اگر بانک بخواهد از عقد مصالحه استفاده نماید، کل منافع مربوط به عین باید مورد نظر قرار گیرد. بنابراین، خانه دارای منفعتی است که همان سکونت است (سکنی الدار). این منافع صلح می‌شود و به تملک بانک درمی‌آید و سپس بانک آن را به فروش می‌رساند.

مصباحی‌مقدم: مقام معظم رهبری قبول فرموده‌اند که همان طور که بیع برای اعیان معتبر است، برای منافع نیز می‌تواند جایگزین عقد اجاره یا جعاله باشد. به عبارت دیگر، همانطور که می‌توان از عقد اجاره بهره برد، از عقد مرابحه منافع و مرابحه خدمت نیز می‌توان استفاده نمود و احکام مرابحه بر آنها صادق است.

رضایی: در قرارداد اجاره گاهی اوقات خانه اجاره داده می‌شود که در این صورت منافع خانه مدنظر است؛ گاهی نیز انسان را اجیر می‌کنیم که در اینجا خدمت وی، مطرح می‌باشد. این دو قرارداد از نظر قواعد اجاره، یکسان محسوب می‌شوند. همچنین، بزرگان فقها، از جمله مرحوم امام، فرموده‌اند که می‌توان منافع را نیز خرید و فروش کرد؛ یعنی منفعت را خرید که در قالب مرابحه تحقق می‌یابد.

میثمی: پیشنهاد آقای دکتر مصباحی‌مقدم (برای اطمینان خاطر) این است که وجه تسهیلات به حساب مالک واریز شود تا مرابحه واقعی صورت گیرد.

مصباحی‌مقدم: این نکته را آقای دکتر عرب‌مازار پیش از جلسه نیز بیان فرمودند که باید اطمینان حاصل کنیم که در بانک‌ها وجه به نفع ذینفع نهایی پرداخت شود و انتقال منافع به صورت واقعی صورت پذیرد؛ نه اینکه صرفاً مبلغی دریافت و پرداخت شود.

اسلامیان: دو نوع عملیات وجود دارد؛ یکی بیع‌المنفعه که حضرت امام آن را جایز دانسته‌اند و دیگری وکالت.

سعدی: وقتی گفته می‌شود مستاجر به وکالت از بانک برود و منافع ملک را خریداری کند، این معامله برای چه کسی انجام می‌شود؟

رضایی: این منافع ابتدا برای بانک خریداری می‌شود و مبلغ آن به فروشنده (مالک) پرداخت می‌گردد. سپس بانک این منافع را با سود مشخص، به صورت اقساطی به مستاجر می‌فروشد.

سعدی: طراحی الگو به لحاظ فنی باید به گونه‌ای انجام شود که با شبهه «صوری سازی» مواجه نشود.

مصباحی‌مقدم: پیشنهاد آن است به جای «ودیعه مسکن» از قرارداد «صلح منافع مسکن» استفاده کنیم. یعنی اگر تصریح نماییم که این قرارداد تحت عنوان «صلح منافع مسکن» است، مسیر روشنی داریم. بدین صورت که ابتدا بانک مبلغ تسهیلات را به «مالک» پرداخت می‌کند و در واقع منفعت مسکن را از او خریداری می‌نماید. سپس این منفعت را به مستاجر واگذار می‌کند تا از منافع ملک استفاده کند و ماهانه مبلغ مشخصی پرداخت نماید. این قرارداد «صلح منافع مسکن» نام دارد. در واقع بانک مالک منفعت است و آن را به مستاجر یا متصرف منتقل می‌کند و مستاجر به صورت ماهانه اقساط را به بانک پرداخت می‌کند؛ این روند کامل و واضح است.

رضایی: پیشنهاد می‌کنم این موضوع مجدداً در کارگروه قم مطرح شود تا شاید راهکار جدیدی طراحی گردد. همچنین ضرورت دارد واحدهای نظارت و بازرسی بانکی بر اجرای صحیح الگو در عمل نظارت کنند تا شبهه «صوری سازی» ایجاد نشود.

سعدی: اکنون در هیچ بنگاهی در کشور چنین قراردادی تحت عنوان «بیع‌المنافع» وجود ندارد؛ این خود نشانه‌ای است بر اینکه عملیات اجرایی احتمالاً صوری خواهد شد.

خورسندیان: باید توجه کنیم که بانک مسکن این مکاتبه را با هدف کمک به مستاجران انجام داده تا مستاجرات بتوانند فشار کمتری نسبت به بازار متعارف اجاره تحمل کنند. اگر بخواهیم این قرارداد به صورت صلح وکالتی باشد؛ بانک باید مبلغی به مالک یا موجر پرداخت کند و مالک منافع گردد و منافع مذکور را به صورت اقساطی به مستاجر مصالحه نماید. با این

حال، مستاجر موظف است اصل و سود تسهیلات مذکور را به بانک بازگرداند که این موضوع می‌تواند برای گروهی از مستاجران چالش برانگیز باشد.

میثمی: در این الگو، مستاجران در بازپرداخت بدهی، می‌توانند دارای آزادی عمل باشند. مثلاً بدین صورت که اقساط اولیه کم بوده و به تدریج اضافه گردد. در هر حال شیوه بازپرداخت بدهی و اقساط موضوع شرعی نبوده و بانک میتواند گزینه‌های مختلفی را به مشتریان پیشنهاد کند؛ تا از این طریق فشار اقساط بر مستاجران کاهش یابد.

جلالی: برداشت من از اجرای عقد صلحی که می‌خواهیم تعریف کنیم این است که ابتدا باید بانک و مالک وارد رابطه شوند؛ یعنی بانک باید تسهیلات را به مالک پرداخت کند و در ادامه مالک منافع ملک را به مستاجر واگذار کند. اما در واقعیت چه اتفاقی می‌افتد؟ مستاجر اول با موجر قرارداد امضا می‌کند و ملک را اجاره می‌نماید و بعد می‌خواهد از بانک بخشی از آن مبلغ پرداخت شده به مالک را به عنوان کمک هزینه دریافت کند.

رضایی: به نظر می‌رسد از نظر فقهی چند راهکار وجود دارد. اما از نظر اجرایی و پذیرش توسط بانک و مستاجران، محدودیت‌هایی قابل تصور می‌باشد که لازم است برای آنها تدابیر لازم لحاظ شود. ما اکنون چهار یا پنج راهکار مطرح کرده‌ایم که باید توسط سیستم بانکی دنبال شوند.

مصباحی‌مقدم: هم‌اکنون باید حداقل یک راهکار شرعی که قابلیت اجرا دارد پیشنهاد گردد.

اسلامیان: در اجرای الگو، توان بازپرداخت مستاجران باید لحاظ شود.

ابراهیمی: ما قصد داریم قالبی را که در جامعه به صورت معمول اجرا می‌شود، تغییر دهیم تا از وقوع معاملات صوری جلوگیری شود. در نظام بانکی و جامعه، قراردادهایی که تحت عنوان «اجاره با شرط ضمن عقد قرض‌الحسنه» منعقد می‌شود، بخش زیادی از معاملات را تشکیل نمی‌دهند. به بیان دیگر، تعداد قراردادهایی که واقعاً از این نوع باشند و مستاجر بتواند در رابطه آنها و بر اساس الگوی جدید (صلح) تسهیلات دریافت کند، محدود است.

مصباحی‌مقدم: در اینجا باید بر روی ابعاد اجرایی مدل تاکید کنیم.

جلالی: ما قبلاً تجربه‌ای در حوزه اعتبارات داشته‌ایم که به این موضوع مرتبط است. در تسهیلات کمک ودیعه مسکن دوران کرونا، قرارداد باید بین بانک و مالک امضا می‌شد؛ اما هیچ‌یک از مالکان حاضر نشدند این قرارداد را بپذیرند و ترجیح دادند که ملک خود را به کسانی اجاره بدهند که نیازی به تسهیلات بانکی ندارند.

میثمی: معمولاً پس از تصویب مصوبه شورای فقهی، بخش‌های مختلف مدل عملیاتی دقیق با جزئیات آن را تدوین کرده و در اختیار ما قرار می‌دهند.

مصباحی‌مقدم: به هر حال ناگزیر هستیم که متن مصوبه را همراه با مدل عملیاتی آن تهیه کنیم تا قابلیت اجرا داشته باشد.

میثمی: پیشنهاد بنده آن است که دو راهکار مذکور به صورت جمع‌بندی دبیرخانه به حوزه اعتبارات بانک مرکزی اعلام گردد تا جزئیات مرتبط در آینده ارائه شود.

میرعمادی: می‌توان علاوه بر دو روش ذکر شده، از راهکار «اجاره مجدد» نیز استفاده کرد؛ یعنی ابتدا بانک ملک را اجاره کند و سپس با در نظر گرفتن سود، آن را به مستاجر اجاره مجدد دهد.

میثمی: جمع‌بندی موضوع در نامه‌ای از طرف دبیرخانه به حوزه اعتبارات بانک مرکزی ارسال خواهد شد.

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور دوم: بررسی «راهکارهای جایگزین نمودن نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی (لایبور) موضوع نامه اداره تدوین مقررات ارزی بانک مرکزی»

میثمی: دستور بعدی جلسه، درباره راهکارهای جایگزین برای تعیین نرخ سود تسهیلات از محل حساب ذخیره ارزی است. این دستور از اداره تدوین مقررات ارزی ارسال شده و مربوط به نرخ‌های مرجع است. در اقتصاد کلان و سیاست‌های پولی، نرخ‌های مرجع مانند نرخ لایبور (نرخ بازار بین بانکی لندن) به عنوان راهبری سیاست‌های پولی کاربرد دارند. در بحث مطرح شده، نرخ‌های دیگری مثل SOFR، SONIA و نرخ‌های مشابه نیز مورد بحث هستند. در حال حاضر سوال آن است که نظر شورای فقهی در رابطه با استفاده از این نرخ‌های جایگزین و رویکرد ما به نرخ‌های بین‌المللی چیست؟

قبلا آقای دکتر عرب‌مازار نیز موضوع را از زاویه اقتصادی مطرح کردند که شاید فقهی نباشد، اما بحث قابل توجهی است. بانک‌های اسلامی در کشورهای مختلف دارای بازار بین بانکی اسلامی با ابزارهای مختلف هستند و از نرخ‌های مرتبط در تعاملات بین‌المللی استفاده می‌برند. اما در کشور ما مشکل اصلی این است که بانکداری اسلامی بیشتر روی عملیات ریالی تمرکز دارد و ورود به حوزه ارزی کمتر صورت می‌گیرد، هر چند احکام شرعی تابع نرخ ارز نبوده و مثلا ربا در هر واحد پولی ممنوع است. دستورالعمل سود مشاع یکی از اقدامات مهم معاونت نظارت است اما متأسفانه محدود به عملیات ریالی می‌باشد که پسندیده نیست.

عرب‌مازار: تسهیلات ارزی به شرکت‌ها داده شده است و باید نرخ سودی از آنها دریافت می‌شد. آیا نرخ بهره‌ای که دریافت می‌کردند، همان نرخ بهره بین‌بانکی بین‌المللی لندن، یعنی نرخ لایبور، به اضافه حدود یک یا دو درصد نبود؟ اکنون مدتی است که آن نرخ بین‌بانکی لایبور اعلام نمی‌شود و حذف شده است. حالا جایگزین‌های دیگری معرفی شده و از ما پرسیده‌اند که شما چه جایگزینی برای این موضوع پیشنهاد دارید؟ جایگزین‌هایی که وجود دارند، شامل نرخ بهره بین‌بانکی شبانه برای ارز یورو (یوروبور) و نرخ‌های مشابه در کشورهای اروپایی و دیگر کشورها است. این موضوع به گونه‌ای است که شورای فقهی معمولاً روی این نرخ‌های جایگزین نظر نمی‌دهد، زیرا این نرخ‌ها در بازارهای جهانی معتبر هستند. تسهیلات‌گیرندگان نیز باید بر اساس این نرخ‌های مرجع، سود قراردادها را بپردازند.

داریان: موضوع مورد بحث مربوط به تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی است. همان‌طور که مستحضر هستید، حساب ذخیره ارزی در واقع منابع حاکمیتی است که تسهیلات از این محل مطابق با قانون برنامه سوم و چهارم توسعه و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوطه اعطا شده است. هیئت امنای حساب ذخیره ارزی که طبق ماده (۱۷) قانون احکام دائمی کشور، این وظایف را بر عهده دارد، اکنون کمیسیون اقتصاد هیئت دولت است و تصمیم‌گیری در این زمینه به آنجا واگذار شده است.

بانک‌های عامل در محاسبات سود تسهیلات اعطایی از این محل دچار مشکل شده‌اند، زیرا نرخ سود مصوب بر اساس نرخ شناور بین‌المللی (لایبور به علاوه مارجین دو درصد) در آن زمان تعیین شده بود. نرخ لایبور که تا دسامبر ۲۰۲۱ (۱۴۰۰/۱۰/۱۰) معتبر بود، اکنون اعلام نمی‌شود.

بانک مرکزی هر کشور، مانند ژاپن، آمریکا، و اروپا، نرخ‌های شناور متفاوتی برای ارزهای خود تعریف کرده‌اند. در قراردادهای تسهیلات، معمولاً نرخ لایبور به علاوه دو درصد مارجین، به عنوان نرخ سود لحاظ شده است؛ البته برای مناطق کمتر توسعه‌یافته مارجین اخذ نمی‌شود. این نرخ‌ها نیز تحت تأثیر نوساناتی بوده‌اند که در دوره‌های مختلف بالا و پایین رفته‌اند و حتی گاهی منفی شده‌اند.

اکنون لازم است برای این نرخ‌ها جایگزینی تعیین شود. پس از جلسات متعدد با وزارت امور اقتصاد و دارایی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری و شبکه بانکی، سه راهکار کلی پیشنهاد شده است که نیازمند رهنمود شورای فقهی است:

۱. استفاده از نرخ‌های شناور اعلام شده توسط بانک‌های مرکزی هر کشور، متناسب با ارز مرتبط.
۲. اصرار بر آخرین نرخ لایبور اعلام شده پیش از توقف آن، به همراه مارجین مصوب.
۳. تعیین نرخ سود ثابت ، مثلاً ۴ تا ۵ درصد، به صلاحدید هیئت امنای حساب ذخیره ارزی. (با توجه به اینکه این منابع حاکمیتی و متعلق به دولت است.)

هدف از دریافت این رهنمودها، بررسی تبعات حقوقی و شرعی هر یک از این راه حل می‌باشد تا تصمیم نهایی در کمیسیون اقتصاد هیئت دولت اتخاذ شود.

اسلامیان: تعیین نرخ سود در شأن شورای فقهی نیست. مسئله اصلی این است که این ربح بر اساس چه عقدی گرفته می‌شود و آیا پیش از این در این رابطه مصوبه‌ای داشته است یا خیر؟ اگر چنین مصوبه‌ای نیست، باید اصل موضوع را بررسی

کنیم. اما میزان زیاد یا کم بودن نرخ، موضوعی است که غیر از وظایف ماست و باید متخصصان و کارشناسان مربوطه آن را تعیین کنند. آنچه در معاملات بین بانکی مورد بحث است، تابع قرارداد منعقد شده بوده و میزان سود آن به شورای فقهی ارتباطی ندارد.

داریان: حساب ذخیره ارزی دارای شرایط و ضوابط مشخصی است که بر اساس نظر هیئت امنای حساب ذخیره ارزی وضع شده و تسهیلات در دوره‌های مختلف مالی اعطا می‌شود. این تسهیلات غالباً به شکل مشارکت مدنی بوده که در پایان دوره به فروش اقساطی تبدیل شده است.

رضایی: کاری که انجام شده بر اساس قرارداد بانکی انجام شده است و تنها نکته مورد بحث، نرخ سود تعیین شده می‌باشد که بر اساس نرخ‌های بین‌المللی (مثلاً لایبور به علاوه مارجین دو درصد) تعیین می‌شود. با توجه به نوسانات نرخ لایبور، ممکن است میانگین نرخ در چند سال قبل مبنای توافق قرار گیرد تا مشکلات نوسان برطرف شود. در نهایت، به نظر می‌رسد این موضوع ماهیتی فقهی ندارد و باید جنبه اقتصادی و توافق طرفین مدنظر قرار گیرد.

سعدی: درباره نقش شورای فقهی در ورود به این موضوع، باید بگویم به نظر می‌رسد شاید ورود شورای فقهی قابل توجیه باشد؛ به ویژه اگر تسهیلاتی که اعطا می‌شود از منابع صندوق ذخیره ارزی باشد. مثلاً در گذشته نرخ لایبور به اضافه مارجین، دریافت می‌شد، ولی اگر الآن بخواهیم سونیا[1] به اضافه مارجین یا بدون مارجین بگیریم، مسئله نرخ سود شناور مطرح می‌شود که ممکن است به غرر (عدم قطعیت) منجر شود و این موجب اشکال شرعی است. لذا تغییر نرخ مرجع ممکن است بعد شرعی پیدا کند. برای رفع این مشکل باید بررسی مفصلی صورت گیرد و راهکارهای موجود از نظر انطباق با شرع مطرح شود.

رضایی: هر چند قرار دادن یک معیار قابل قبول که عرف نیز آن را بپذیرد، مهم است اما نباید در مورد قراردادهای قبلی ورود کنیم؛ یعنی باید روی قراردادهای آینده بحث نماییم. به نظر بنده تعیین نرخ برای قراردادهای گذشته از نظر فقهی قابل پیگیری نیست.

[1] SONIA

مصباحی‌مقدم: بنده به یاد دارم در یکی از جلسات هیئت امنای صندوق توسعه ملی، نرخ تسهیلات را یک درصد اعلام کردند و هدف این بود که تامین مالی به صورت توسعه‌ای انجام گیرد. حتی گفته شد که اگر می‌شد نرخ صفر درصد تعیین شود تا برای سرمایه‌گذاران جذابیت داشته باشد و منابع ارزی جذب فعالیت‌های اقتصادی شوند، این کار قابل توصیه است.

ابوالحسنی: حساب ذخیره ارزی از اواخر سال ۱۳۷۹ و از برنامه سوم توسعه شروع شد. منابعی که در این حساب قرار داشت، مازاد بر بودجه سالانه دولت بود و هدف از تشکیل این حساب، تثبیت بودجه بود تا دولت در مواقع کمبود بودجه مجبور به برداشت از منابع بانک مرکزی نشود. در ابتدا، وقتی درآمد نفت بالا می‌رفت، منابع مازاد به این حساب واریز می‌شد و هیئت امنایی مسئولیت مدیریت آن را بر عهده داشت. این منابع از طریق بانک‌ها در پروژه‌های اولویت‌دار و پیشران اقتصادی مصرف می‌گردید.

امروز نیز بانک‌ها روی منابع حساب ذخیره ارزی تسهیلات داده‌اند که قراردادهای آنها به پایان رسیده و قصد دارند بدهی‌های خود را از مشتریان وصول کنند. پرسش مهم این است که سود مورد انتظار در ابتدای قرارداد معنا دارد، اما پس از پایان قرارداد و فعالیت مشارکتی، سود مورد انتظار معنا و مفهوم ندارد.

مصباحی‌مقدم: این ادبیات و رویه‌ای است که بانک‌ها معمولاً در قراردادهای مشارکتی به کار می‌برند؛ یعنی در قراردادها مشتریان را ملزم می‌کنند که سود مورد انتظار را به همراه موارد اضافه شده، قبول کنند.

ابوالحسنی: سود مورد انتظار در واقع توجیهی مالی و اقتصادی برای طرح است، نه سود واقعی که در عمل اتفاق می‌افتد. وقتی قراردادی بین بانک و مشتری منعقد شده و پایان یافته است، باید سود واقعی محاسبه شود و بر اساس آن مطالبه سود صورت گیرد.

وقتی از شورای فقهی پرسیده می‌شود که کدام نرخ را باید ملاک قرار دهند تا فشار مالی بر مشتری وارد شود، برداشت بنده این است که این مسأله بیشتر مربوط به توجیه اقتصادی طرح است تا موضوع فقهی. مثلاً طرحی ممکن است با سود ۱۰ درصد توجیه شود یا طرحی با سود ۳۰ درصد. اینکه کدام سود برای پروژه مناسب است، به عهده شورای فقهی نیست؛ بلکه موضوع تخصصی بوده که بانک‌ها یا هیئت امنای حساب ذخیره ارزی باید تعیین تکلیف کنند.

بحث درصد و رقم سود نیز بیشتر به تعیین مبلغ مربوط می‌شود، نه تعیین مبنای شرعی. در نتیجه، به نظر بنده تعیین نرخ سود، وظیفه شورای فقهی نیست و بهتر است این موضوع به تخصص هیئت امنای حساب ذخیره ارزی واگذار شود؛ تا با توجه به مصالح اقتصادی و جلوگیری از افزایش هزینه بیت‌المال، تصمیم‌گیری کنند.

مصباحی‌مقدم: پیش‌تر هم دوستان گفته‌اند که تعیین درصد سود، یک بحث فقهی نیست و اگر قراردادی منعقد شده، نرخ سود نیز در همان قرارداد ذکر شده است. اگر بحث جدیدی مطرح باشد، مثل تأمین مالی جدید، دست بانک‌ها باز است تا بر اساس منافع و مصالحی که مثلاً حساب ذخیره ارزی دارد، نرخ مناسب را تعیین کنند. به طور معمول در معاملات بانکی، قراردادها اغلب بر پایه عقد مرابحه یا قراردادهای مشابه منعقد می‌شود و در این صورت مانعی وجود ندارد و نرخ سود مرابحه می‌تواند منطقی و معقول باشد. اما اگر قرارداد به صورت قرض باشد، سودی نباید در آن لحاظ شود. به عبارت دیگر، در صورتی که از قراردادهای متعارف بین‌المللی استفاده شود، اساسا این قراردادها قرض ربوی محسوب شده و وجود سود ماهیت شرعی ندارد تا بخواهیم در رابطه با میزان آن صحبت کنیم.

سعدی: این نکته کاملاً درست است که شورای فقهی نباید وارد مسئله تعیین درصد سود شود، اما همچنان یک سوال فقهی وجود دارد و آن اینکه وقتی تسهیلات ارزی داده می‌شود و نرخ‌های مرجع مانند لایبور منقضی شده و قرار است SONIA جایگزین شود، آیا استفاده از نرخ شناور مانند سونیا که عدد مشخصی ندارد، غرری نیست؟ نرخ سود شناور ممکن است غرری محسوب شود و این برای عقد اشکال ایجاد می‌کند.

پس اگر بانک‌ها بخواهند تسهیلات ارزی اعطا کنند، توجیه فنی و اقتصادی دارند و ممکن است نرخ شناور به اضافه یک مارجین مشخص باشد، اما چون نرخ شناور به ماهیت خود، قابل پیش‌بینی نیست، این می‌تواند موجب غرر شود.

به هر حال، باید شورای فقهی به این نکات توجه کند؛ زیرا بحث فقهی اهمیت دارد و علاوه بر آن بحث اقتصادی هم باید مطرح شود. نکته مهم این است که تسهیلات ارزی متعلق به حاکمیت است و باید رعایت مصالح عمومی در نظر گرفته شود.

میثمی: ما باید اعلام کنیم که این مسائل بعد فقهی ندارد و بحث‌های فنی باید در چهارچوب بانکداری بدون ربا دنبال شود.

مصباحی‌مقدم: شورای فقهی فقط در مورد نوع عقد و قرارداد نظر می‌دهد، نه نرخ سود. این مسئله دقیقاً مطابق با قوانین است.

میثمی: جمع‌بندی موضوع به همین صورت به بخش‌های مرتبط در بانک مرکزی اعلام خواهد شد.

ختم جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.